

بازخوانی پرونده جنایات آمریکا در رادیو گفت وگو

رادیو گفت وگو برای هفته حقوق بشر آمریکایی تدارک ویژه‌ای دیده است.

به گزارش روابط عمومی رادیو گفت وگو، برنامه گفت‌وگوی سیاسی از شنبه پنجم تیر و همزمان با آغاز هفته حقوق بشر آمریکایی تا چهارشنبه ۹ تیر ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ و ۴۵ دقیقه به‌صورت زنده به موضوعاتی ازجمله حقوق بشر آمریکایی ابزاری علیه کشورهای مستقل، حقوق بشر آمریکایی؛ از نابودی حقوق بشر تا تبیین گفتمان سلطه در جهان، تبیین و بررسی مطالبه‌گری بین‌المللی علیه حقوق بشر آمریکایی، حقوق بشر آمریکایی؛ از تبعیض تا نژادپرستی ساختاری در جامعه آمریکا، بررسی مصادیق مجرمانه حقوق بشر آمریکایی علیه ملت ایران در آینه حقوق بین‌الملل با حضور کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین‌الملل می‌پردازد.

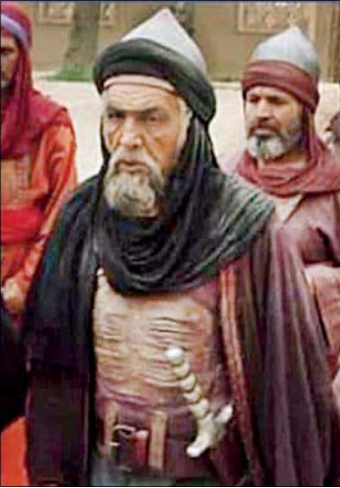
برنامه رویداد هم که از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۲ تا ۱۳ پخش می‌شود در بخش ویژه‌ای به موضوعاتی ازجمله بررسی دلایل حمایت آمریکا از گروه‌های تجزیه‌طلب و برانداز، اعمال تحریم‌های ظالمانه و همه‌جانبه آمریکا علیه دیگر کشورها، آمریکا و حمایت از مروجین ترور، آمریکا علیه دانشمندان ایرانی، آمریکا و شبیخون فرهنگی، ابزار و غایات، نقض معاهدات بین‌المللی؛ از هدف‌گیری هواپیمای مسافربری تا برجام با کمک کارشناسان مسائل سیاسی می‌پردازد.

برنامه بدون خط‌خوردگی هم که شنبه تا چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۹ تا ۲۰ روی آنتن می‌رود در هفته حقوق بشر آمریکایی در بخش ۱۰ دقیقه‌ای به موضوعاتی ازجمله: آمریکا و هولوکاست علیه بومیان این سرزمین، آمریکا و نظام برده‌داری و تبعیض نژادی، آمریکا و سرکوب ملت‌های پیاخاسته علیه حکومت‌های دست‌نشانده، آمریکا و حلقه بسته قدرت و آزادی سیاسی، آمریکا؛ مصادق تروریسم دولتی و آمریکا و انحصار رسانه‌ها با کمک تحلیلگران مسائل بین‌الملل پرداخته می‌شود.

به گزارش روابط عمومی رادیو گفت وگو، برنامه‌های هفته حقوق بشر آمریکایی منحصر به سه مجموعه یاد شده نیست و در کنار پخش سه مجموعه مستند «حقوق سیاه»، «آمریکای زیبا» و مستند «دستان آلوده به خون» برنامه انعکاس هم که ۹ تیر پخش می‌شود به موضوع تأملی بر رفتارهای گزینشی و استانداردهای دوگانه حقوق بشری رسانه‌های غربی می‌پردازد.

لازم به ذکر است همراهان و علاقه‌مندان می‌توانند رادیو گفت‌وگو را از طریق موج افام ردیف ۵/ ۱۰۳ مگاهرتز دریافت یا با استفاده از برنامه کاربردی ایران‌مدار روی تلفن‌های همراه خود و همچنین تارنامی رادیو گفت وگو به نشانی radiogoftogoو.ir شنونده باشند.

بازیگر «مختارنامه» درگذشت



میرصلاح حسینی، بازیگر سریال‌های «مختارنامه» و «هزاردستان» پس از تحمل یک دوره بیماری در ۲۳ سالگی درگذشت. فیلم‌های سینمایی مرسدس، مادر، گل‌های داوودی، گلوگاه و سریال‌های تلویزیونی مختارنامه، هزاردستان و... از جمله آثار است که این بازیگر در آنها به ایفای نقش پرداخته است.

مراسم تشییع پیکر میرصلاح حسینی دیروز چهارم تیر، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شد.

این هنرمند در سریال مختارنامه ایفاگر نقش عمرو بن حجاج زبیدی از بزرگان قبیله زبید بود.

شرح احادیث کتاب گرانسنگ «خصال» در رادیو معارف

رادیو معارف در برنامه «سیاه و سپید» اهمیت حفظ آبروی مومن را از منظر دین بازگو می‌کند.

به گزارش روابط عمومی رادیو معارف؛ برنامه «سیاه و سپید» از جمله برنامه‌هایی است که به شرح احادیث گرانسنگ کتاب «خصال» می‌پردازد.



گفت‌وگو با مهوش وقاری به بهانه سال‌ها دوری‌اش از دنیای تصویر

اصلا انگار نبودیم و نیستیم!

فاطمه شه‌دوست
رسانه

«مهوش وقاری که تا اسمش می‌آید خیلی‌ها او را با همسرش، مرحوم محسن قاضی‌مرادی به یاد می‌آورند، از بازیگرانی است که بیش از ۳۰ سال است در دنیای تصویر برای خودش برویایی دارد. البته این حضور به واسطه روزهایی که باید کنار همسرش می‌ماند و از او نگهداری می‌کرد تا مدت‌ها کم‌رنگ‌تر از قبل شد و همین جریان باعث شد که چند سال او را در هیچ کاری نبینیم.

این فاصله از کار برای هر کسی که سال‌ها در حوزه‌ای مشغول بوده همیشه سخت است و بازیگری هم که دنیای خودش را دارد و از این قائله مستثنا نیست؛ جراینی که بهانه‌ای شد تا در ماه تولد این بازیگر سراغش برویم و از حال و روز این روزهایش باخبر شویم.»

شما مدت‌هاست که دور از دوربین بودید، در این مدت جداز شرایطتان عامل دیگری هم در این دوری دخیل بود؟

حدود چهار سال است که من بازیگری را به‌دلیل شرایطی که داشتم به‌کل کنار گذاشته بودم. در طول این زمان تعدادی کار به من پیشنهاد شد اما هیچ‌کدام از آنها از نظر نقش و حتی قصه ارزش فکر کردن نداشتند و آدم را سوسه نمی‌کردند. ضمن آن‌که اگر کاری طولانی و مطلوبی هم بود، نمی‌توانستم آن را به‌خاطر محسن بپذیرم. بااین حال کار ما عشق ماست و من واقعا دوست داشتم کار کنم اما هم خردم محدودیت داشت و هم در زمان‌هایی که مقداری آزاد بودم، نقش‌ها ارزش این زمان را نداشتند و گاهی تنها یک سکانس بودند. از طرفی اصرار هم داشتم که آن را بپذیرم و می‌گفتمد همین یک سکانس به اندازه نقش اصلی داستان اهمیت دارد و این موارد که همه بهانه بودند.

یعنی به‌شکلی شما را کنار گذاشته بودند؟
در کل این اتفاق افتاده که گروهی از چهره‌ها اصلا انگار نبودند و نیستند. من دلم نمی‌خواهد درجه‌بندی کنم اما این انگی است که زده شده و به‌واسطه آن، عناوین و لوس بازی‌هایی مثل سلبریتی‌ها، ستاره‌ها و... شکل گرفتند و آن قدر پررنگ شدند که همه چیز هم با آنها تغییر کرد. مثلا خود من به‌عنوان بیننده وقتی چند فیلم و مجموعه را می‌بینم، نمی‌توانم خیلی از صحنه‌های آنها را از هم تفکیک کنم چون خیلی از بازیگرانش ثابت بودند، بازی‌ها یک شکل و موضوعات هم‌خواه ناخواه شباهت داشتند. من اسم نمی‌برم اما این اتفاق در مجموعه‌های اخیر هم به چشم می‌خورد.

رکن‌ار میزان نقش، شما از کیفیت این ماجرا هم گفتید. اصلا این پیشنهاد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا آن را بپذیرید؟
قبل ترها رسم این بود که هر نقشی که پیشنهاد داده می‌شد، ما می‌توانستیم فیلمنامه را بخوانیم اما الان اگر فیلمنامه آماده‌ای باشد، وقتی تقاضای خواندنش را داریم، آن قدر منت می‌گذارند که حد ندارد. گاهی فکر می‌کنند چون به من و امثال من کار چندانی پیشنهاد نشده، تا تماس می‌گیرند ما دیگر نباید هیچ سوآلی ببرسیم که اصلا کارگردان و نویسنده کیست؟ نقش چیست؟ و... بعد هم که می‌گویم فیلمنامه نمی‌فرستید؟ با سؤال و نگاه عجیبی می‌پرسند واقعا فیلمنامه می‌خواهید؟ عنوانی که در آن هزار جمله گنجانده شده و پشت آن نگاه انگار می‌گویند که بی‌خیال، تو این همه سال است کار نکردی‌ای آن وقت امروز چنین چیزی را می‌خواهی؟ همه اینها نشان‌دهنده این است که همه چیز شکل دیگری گرفته است. من چر نباید بدانم نقشم چیست و اصلا هویت دارد یا نه؟ همه اینها فاکتورهایی است که برای یک بازیگر اهمیت دارد و لابد این بین گروهی پیشنهاد دهندگان را به این روند عادت داده‌اند که هیچ چیزی نپرسند اما برای من هنوز اهمیت دارد.

متأسفانه خیلی وقت‌ها این نگاه وجود دارد اما در کنار اینها امروز خیلی از کارها اصلا فیلمنامه آماده هم ندارند که آن را ارائه دهند.
این هم به کسی که فیلمنامه را می‌نویسد برمی‌گردد. قبلا فیلمنامه نویسان معتبری بودند که به محض شنیدن نام آنها یا کارگردان و تهیه‌کننده تا حدی می‌توانستید تصمیم‌تان را بگیرید ولی الان حتی آنها را هم با سبک و سیاق جدیدی که هر روز شکل می‌گیرد، نمی‌توانید درست بشناسید، مثل سریال‌های اینستاگرامی که چون هنوز

از بدترین و بهترین نقشی که همیشه در ذهن‌تان است و از آن ناراحت و خوشحال می‌شوید هم بگویید.

در مقطعی تله‌فیلم‌ها پایشان بیشتر از قبل به تلویزیون باز شده بود و در این بین افرادی آمدند که کارگردان بودند اما به اسم کارگردان و منتشر می‌شود و من در جریان آن نبودم و نمی‌دانستم یعنی چه. یک بار با من تماس گرفتند و دلایل مختلفی گفتند و از من خواستند تا در یک کار حاضر شوم. در نهایت پذیرفتم و زمانی که به آنجا رفتم تازه فهمیدم که اصلا این کار چیست؛ موضوعی که نه من بلکه همه همکارانم نیز همین‌طور بودند و همه در این باره گیج بودیم. یکی دیگر از همکارانم هم با دیدن لوکیشن و فضا تعجب کرده بود و همه می‌گفتم که این کار قرار است از کدام شبکه پخش شود؟ اما ناچار بودیم که آن را بازی کنیم چون قبولش کرده بودیم.

این روزها چقدر دل‌تان برای بازی‌تنگ شده است؟
خیلی دلتنگ این فضا بودم و هستم اما در عین حال کمی هم بی‌انگیزه و انگار در کار کردن تنبل شده‌ام و دنبال بهانه می‌گردم. بعد هم فکر می‌کنم که بعد از این همه سال کار نکردن الان که می‌خواهم نقشی را بپذیرم و برگردم، چه بهتر که کار خوب و قابل توجهی باشد.

به هر حال الان شرایط شما هم تغییر کرده و شاید بیشتر دل‌تان بخواند که دوباره بازی‌کنید.

در این مدت هم چند پیشنهاد خوب وجود داشت که بلافاصله بعد از رفتن محسن بودند و حتی بهانه‌ای هم که آوردند این بود که می‌خواهیم از این حال و هوا بیرون بیایید، در حالی که من هنوز هم خیلی از مسائل را نتوانستم باور کنم و همچنان گیج و بین‌زمین و هوا هستم. آن وقت چطور می‌توانستم از فردای آن روز بازی کنم.

نقشی هست که همچنان دلتان بخواند روزی بازی‌اش کنید؟
نقش نه ولی یک اقدام چرا. من همیشه به این فکر می‌کردم که کاش از ابتدا به قول معروف گزیده‌تر کار می‌کردم تا در جایگاهی برای خودم قرار می‌گرفتم که می‌توانستم تعیین‌کننده باشم. به‌هر حال در شروع کار همه‌مان با هیجان بیشتری مواجه بودیم و شاید در مقطعی خیلی از کارهایی که نباید راهم قبول و بازی کردیم یا گاهی هم برعکس این موضوع وجود داشت. درباره هویت آن نقش‌ها هم چنین جریانی وجود داشت و دارد. این که فردی از ابتدا یک نقش را ماند بازی می‌کند، من هم از اول که کار حرفه‌ای ام را شروع کردم، نقش مادر را داشتم و همیشه همین فضا را بازی کردم. با وجود این که شاید در هر کدام از این کارها تب و اسم شخصیت متفاوت باشد اما این برای آدم جالب نیست که مدام یک نقش را تکرار کند. در طول این کارها من نتوانستم خیلی از نقش‌ها و هویت‌های دیگر را که در این ماجرا می‌تواند وجود داشته باشد، تجربه کنم. این تنها درگیری ذهنی من در این فضا بوده و نقش خاصی که بگویم به آن همیشه فکر کرده‌ام نبوده است.

همیشه ما را یک نفر می‌دیدند

چون من و محسن زن و شوهر بودیم، اگر هدیه یا تمهیداتی هم برای هنرمندان وجود داشت، به ما همیشه یکی می‌دادند. حتی یک بار خانه سینما برای هر بازیگری چیزی در نظر گرفته بود و بازشم من و محسن را یکی در نظر گرفتند. نمی‌دانم باید اسم این نگاه و برخورد را چه بگذارم چون هر کدام از ما یک آدم بودیم. باز هم می‌گویم اصلا بگذریم از محتوای این بسته‌ها و تمهیدات که صحبتی در آن نیست اما این که برای همین‌ها هم می‌گفتند ما شما را یکی در نظر گرفتیم، واقعا توهین‌آمیز بود، چون من که از آن بسته‌ها استفاده نمی‌کردم و نهایت این بود که به نیازمندی ببخشم‌شان اما اصل این اقدام، مساله‌ای است که نمی‌دانم چه باید بگویم.

این برنامه امروز و فردا با کارشناسی حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی غلامعلی به تبیین اهمیت نماز شب و ثمرات آن می‌پردازد. همچنین حفظ آبروی مومن و نقش آن در عزت فرد نزد پروردگار، رعایت انصاف در همه امور و نسبت به دیگران و... از جمله موضوعاتی است که در این برنامه به آن پرداخته می‌شود.

گفتی است کتاب خصال از تألیفات عالم بزرگ شیعی شیخ صدوق است که در بردارنده نکات اخلاقی، علمی، تاریخی، فقهی و پندآموز براساس سلسله اعداد ترتیب و تدوین شده است. برنامه سیاه و سپید کاری از گروه قرآن و اهل بیت (ع) است که شنبه و یکشنبه ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه از رادیو معارف روی آنتن می‌رود.



روابط عمومی رسانه ملی



عمرم هیچ وقت گلابه نکردم که هیچ کس به ما نمی‌رسد و معمول ترین توجه‌ها هم وجود ندارد اما گاهی اتفاقاتی می‌افتد که آدم خنده‌اش می‌گیرد.

دقیقا نوع این نگاه است که غلط و پر از جای بحث است.

بله، یادم هست که اواخر سال ۹۸، یک میلیون تومان برای هر هنرمندی به دلیل بحث کرونا در نظر گرفته بودند من خجالت می‌کشیدم که بروم و آن فرم را امضا کنم. همان زمان نمی‌دانستم که چرا یک کارت است چون مثلا همیشه همان مرکز از ما دو حق عضویت می‌گرفت و من جای هر دویمان امضا می‌کردم. پرسیدم که به اسم خودم امضا کنم یا محسن گفتند چه فرقی می‌کند، برای شما یکی در نظر گرفتیم! همان لحظه حس کردم به من توهین شد و پشیمان شدم که چرا چنین سوآلی پرسیدم و سراغ این قضیه رفتم. زمانی که مرخص مراد خیابان می‌بینند آن قدر به من لطف دارند که حد ندارد. به‌خصوص از زمانی که متوجه شدند محسن بیمار است و من پرستارش هستم، این لطف هزار برابر شد و حتی خیلی‌ها از من می‌پرسند که الان با این شرایط که کار هم نمی‌کنید، شما مشکل مالی ندارید؟ این یعنی یک فرد معمولی هم می‌داند فردی که مرخص دارد یا کسی را از دست داده، شاید با مشکلاتی مواجه شده باشد اما واقعا چطور خانه سینما و بقیه مراکز متوجه نشدند؟! به همین دلیل از آنجایی که عزت نفس و مناعت طبع انسان به او اجازه نمی‌دهد خیلی وقت‌ها صحبت کند اما احساس کردم باید بعضی چیزها را بگویم چون این جریان فقط مربوط به من نیست و قشر زیادی را درگیر کرده که خیلی وقت‌ها بی‌آن که صدایشان به جایی برسد، فراموش می‌شوند.

این موارد، نکاتی هستند که خیلی از هنرمندان به آن اشاره کرده‌اند و به هر حال مساله‌ای است که در ساختار این فضا وجود دارد و خوب است که هر از گاهی یادآوری شود بلکه اتفاقی که باید رخ دهد.

من این را بارها تکرار کرده‌ام، زمانی که می‌گویم مثلا ما عضو خانه سینما هستیم، مثل این است که بگویم خانه آقای قاضی‌مرادی و من هم عضوی از آن هستم. از سوی دیگر تبعیض‌های زیادی بین بازیگران و چهره‌های مختلف وجود دارد.

منظورتان به اصطلاح سوپرستارها و بقیه است؟

بله، مثلا گاهی می‌شنویم که کار تبلیغی ممنوع است و این ممنوعیت همیشه برای ما وجود داشته اما می‌بینیم خیلی‌هایی که امروز در کارهای سینمایی غوغا کرده‌اند یا در سریال‌ها و همه جا به عنوان دست‌مزد بالا‌ها حضور دارند در فضای تبلیغاتی هم هستند. کاش لااقل آنها کمی کوتاه بیایند و بچسبند به همان کارهایشان و حداقل تبلیغات را برای گروه‌هایی که از نظر مالی پایین‌تر از آنها هستند، بگذرانند. خوب این چه اشکالی دارد؟! البته من اینها را برای خودم نمی‌گویم و دغدغه‌ای است که برای خیلی از ما وجود دارد. امروز می‌شنویم که خانم ایکس ۱۵ میلیارد برای فلان تبلیغ گرفته و حالا با حدود ۱۵ میلیون و شرکت بقیه هم در این تبلیغات می‌توانید در خیلی از خانواده‌ها و برای خیلی از افراد شرایط دیگری را ایجاد کنید. همیشه بین کسانی که عنوان سوپرستار دارند با بقیه تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. مثلا این سریال‌ها که پخش می‌شود می‌بینم کسی که عری است کار می‌کند، اسمش جایی نوشته می‌شود که فکر می‌کنید هنرور است، در واقع این کم‌لطفی و همان لطف برای سوپرستار شدن هم توسط خودشان رخ می‌دهد. من از سال ۶۱ مشغول کار هستم و گاهی گفته‌ام که در تیتراژ به من جفا نکنید و می‌گویند که شما به چه چیزهایی توجه می‌کنید! در صورتی که این موضوع گویا خیلی هم تاثیرگذار است و بازی‌ها و ادا‌های تازه‌ای اضافه‌شده تا یک سری بجا و نابجا اسم‌شان سرزبان‌ها بپیفتد.

طبق معمول همه‌گپ و گفت‌ها اگر نکته دیگری هست که دوست دارید بگویید، بفرمایید.

این روزها بازخوردها و انرژی‌های مثبت بسیاری از مردم گرفته‌ام و این خیلی شرمند‌ام کرده است. به‌همین دلیل یک تشکر خیلی خاص به مردم بده‌کارم چرا که واقعا نمی‌دانم چطور باید این اندازه محبت و توجه آنها را جبران کنم و به آن پاسخ بدهم. در واقع بعد از فوت محسن این لطف و انرژی‌ها خیلی حال مرا تغییر داد و برابرم شیرین بود.